

کلمات گمان بروی بدینه بار گشتند و برادر بدینه علی علیه السلام  
 و نیافتند بعضی از ایشان گفتند که در متربی قبور بود آن کس بودیم  
 و ما همه کردیم کردی بیدار بودیم و در آن نگاه میکردیم چون بیدار  
 کردیم در میان محل ای غیر از قید وی هیچ نیافتیم زهری گفته  
 گفته است که بعد از آن جنس عبد الملک بن مروان رضی عنهما  
 از حال علی بن حسین پرسیدند آنچه دانستم گفت در همان وقت  
 که کلمات گمان من اورا کم کرده بودید بر من در آن وقت که  
 من بوجه افتاده هست و بر آن کفتم جنس من اقامت کن گفت  
 میخواستیم پس بدون رفت و و الله که من از خوف و هبیت  
 وی بر سر آمده بودم و زهری رحمة الله تعالی سر کاه که علی  
 بن الحسن رضی الله عنهما یاد میکرد میکرد گسست و می گفت  
 وی زین العابدین است **و از آن وقت** که یکی از نقاشان  
 گفته است که روزی در خانه علی بن الحسن رضی الله عنهما  
 رفتم و آنچه دانستم که او از دستم شنیده با سر و ناله بروی سلام  
 کردم و دعا گفتیم خواب من باز داد پس بیای دیواری اندوخت

ای فلان این دیواری

Copyrighted by University